

اصل توجه به محرومان

پرویز آقایی در یادداشتی که در اختیار **خبرگزاری مهر** گذاشت نوشت: «دیر هنگامی است که شهر به تعبیر ما مفورد این فضای تمدن ساز و آزادی ساز در جایگاه ابزار انباشت سرمایه انتظام یافته و این انباشت با مدیریت فضا، رقابت بر سر تسخیر آن را به شکل بنیادین و تمامیت خواهانه‌ای علنی ساخته است. به همین دلیل، تفسیر فرایندهای شهری در چارچوب سرمایه، به گفتمان چپ گرایانه ای بدل گشته که مبارزه برای دگرگونی رژیم انباشت مرسوم را آرمان خود می‌پندارد.

پیوند میان نظام پولی و سرمایه داری مرسوم با ناپایداری‌های کنونی گرچه بی رحمانه است اما یقیناً خالی از منطق نیست که در این باب متفکران شهیری از مارکس و انگلیس تا لوفور و هاروی به آن پرداخته‌اند. با گذار از این پیوند (که نیازی به تکرار مکررات نیست) مساله اصلی بروز می‌کند. در مواجهه با این جریان عظیم سرمایه‌ای با همه ناپایداری هایش چه باید کرد؟ و چگونه باید به توسعه رسید؟ فارغ از مباحث بغریح توسعه، می‌توان آن را به شکل ساده ای تعریف کرد. وی عنوان کرد: توسعه یعنی رفع نیازهای پایه و به تعبیر بهتر، رفاها؛ رفاهی که کمترین پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و ... را به دنبال داشته باشد. حال چگونه می‌توان این مسیر را برای تحقق توسعه طی کرد آن هم با وجود اقتصادی که ماهیت، هویت و انگیزه اش بر علیه توسعه و ضد توسعه است؟ در این زمینه کافی است به وضعیت محیط زیست جهان، فقر، گرسنگی، میزان مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، نحوه توزیع ثروت و صدها پارامتر اینگونه نگاه کنیم؛ یقیناً دهشتناک و باس آور خواهد بود.

در این بحبوحه و همهمه، یک صدا بسیار به گوش می‌رسد؛ برنامه‌ریزی و توسعه اجتماع محور، گویی همه آرمان‌های بشری در این نوع برنامه‌ریزی نهفته است؛ اینگونه برنامه‌ریزی در تقابل آشکاری با برنامه‌ریزی دولتی و برنامه‌ریزی بر پایه سازوکار بازار است. موجودیت برنامه‌ریزی توسعه بر پایه منابع و ابزار است حال آنکه پایه‌ای ترین منبع برنامه‌ریزی (چه نخواهیم و چه نخواهیم) منبع اقتصادی است و اصلی ترین ابزارهای آن قانون، مقررات، دانش و تکنیک و ... است.

برنامه‌ریزی بر پایه مداخله وسیع دولت طیف وسیعی از منابع و ابزارها را در اختیار دارد و حتی سازوکار بازار نیز از این منابع و ابزارها بی بهره نیست اما در برنامه‌ریزی اجتماع محور وضعیت چگونه است؟ و این سبک برنامه‌ریزی چگونه می‌تواند کارگشای توسعه باشد؟ واقعیت آن است که در حوزه دانشی و تئوریک با انباشت بی پایانی از مقالات، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و شعارهایی در باب این نوع برنامه‌ریزی روبرو هستیم که همگی به سطحی‌ترین شکل ممکن آن را در مشارکت مردم خلاصه می‌کنند و شاید این تمام چیزی باشد که طرفداران این نوع برنامه‌ریزی به دنبال آن هستند. کافی است در این زمینه به مقالات چند سال اخیر در ایران نگاهی بیاندازیم. اما این مشارکت حتی اگر رخ دهد تا چه میزان از منابع و ابزار برخوردار است؟ تا چه میزان قدرت چانه زنی دارد؟ آیا می‌تواند کشور، شهر یا حتی منطقه شهری را مثال زد که بر پایه این نوع برنامه‌ریزی به توسعه دست یافته باشد؟ یقیناً خیر.

در تحلیل این سوالات بسیار ضرورت دارد که به سردرگمی طرفداران این نوع برنامه‌ریزی بپردازیم؛ افرادی که داعیه این نوع برنامه‌ریزی را دارند و اغلب نظریات مارکسیستی، عدالت خواهانه، چپی، رفورمیستی و ... را در سر می‌پروراندند و به مناسبات اقتصاد کنونی می‌تازند در عمل پروژه نئولیبرالیستی را دنبال می‌کنند که دقیقاً دانش و عمل آنان بر علیه هم کار می‌کند. کدام دانش مارکسیستی در برابر ناکارآمدی دولت سکوت کرده و با خفت آن را پذیرفته و مردمان را به برنامه‌ریزی توسعه وامی دارد؟ این افراد تمامی بار توسعه را بر دوش تحیف طبقات اقتصادی پایین جامعه گذاشته و پروژه «شهروندی فعال» که یادگاری از دوران ریگانیم و تاجریسم است را دنبال می‌کنند.

جالب است که با تحریف آثار مارکس، هاروی و اخیراً لوفور بر کنشگری شهروندان صحنه می‌گذارند بدون آنکه به منابع و ابزارها توجه نمایند. مارکس و هاروی هیچگاه پا را فراتر از انقلاب طبقه کارگر نگذاشته‌اند و در برابر محنت این طبقه رنج دیده، شورش و طغیان را تجویز نموده‌اند نه تحمل و سازندگی. «تولید فضای اجتماعی» لوفور نیز در برابر واژه جعلی «تولید اجتماعی فضا» فرار گرفت و ماهیت اصلی خود را از دست داد. باید توجه کرد که لوفور همان تجویز مارکس را دنبال کرد نه سکوت در برابر ناکارآمدی و طغیان دولت‌ها و سازوکار بازار. این برنامه ریز شهری عنوان کرد: داعیان برنامه‌ریزی اجتماع محور با قبول دو گزاره، تمامی فرایند توسعه را در واژه اعجاب انگیز و خیالی مشارکت مردم جستجو می‌کنند؛ ۱- سازوکار بازار و بخصوص دولت به دلیل محدودیت‌ها نمی‌تواند توسعه را به ارمغان بیاورد (حال آنکه دولت هرچقدر هم ورشکسته و ناتوان باشد از ابزارهایی برخوردار است که همین ابزار می‌تواند منبع اقتصادی را نیز تصاحب کند) ۲- به جای جانی زنی و فشار بر دولت‌ها، این اهرم را بر مردم وارد می‌کنند که حتی نمی‌توانند شریک توسعه باشند بلکه باید کارگزار آن بوده و به غیر این صورت استحقاق آن را نداید.

جالب است در تحقیقاتم متوجه شدم در سرمایه محورترین و لیبرال ترین کشور جهان یعنی آمریکا که سازوکار بازار بر آن مسلط است و بر نقش حداقلی دولت تاکید می‌شود در تمامی برنامه‌های توسعه از جمله مسکن و اشتغال، دولت از باروهای اصلی محسوب می‌شود (از ابزار برای کسب منبع استفاده می‌کند) و نقش طبقات پایین جامعه به حداقل می‌رسد حال آنکه در اقتصاد دولتی ایران که تقریباً تمامی منابع و ابزارها در انحصار دولت و بازار است بر نقش مردم تاکید می‌کنند و به نام توسعه بدترین استمارها را بر آنان روا می‌دارند که برای پایه‌ای ترین نیازها باید یک عمر در تکاپو باشد. به راستی با کدام منبع و ابزار؟ شاید همان مشارکت (و البته توانمندسازی کارکنانوری) معجزه آسا و تخیلی!

وی بیان کرد: اغلب افرادی که خواهان کنشگری مردم برای رفع نیازها هستند از قوانین، مقررات و منابع غفلت می‌ورزند و به نوعی با محدودیت‌های بنیادین آشنایی ندارند و سازوکار اجرایی ایده‌های خود را در ابهام بی پایان فرو برده‌اند. به عنوان دانش آموزی که ۱۵ سال در رشته برنامه‌ریزی شهری به مطالعه و کار میدانی پرداخته‌ام تاکنون شاهد یک تحرک زیربنایی برای رفع یک نیاز زیربنایی (مثلا مسکن) از جانب مردم نبوده‌ام زیرا منابع و ابزار را در اختیار ندارند.

بدون تردید نمی‌توان دولت، بازار و مردم را منفک شده از هم تصور کرد اما باید رجحان و برتری یکی در دیگری را شناسایی نمود و زیربنایی‌ترین اهرم توسعه را به کار واداشت. تجربه تاریخی کشورهای توسعه یافته و اخیراً کشورهای در مسیر توسعه نشان می‌دهد جوامعی توانسته‌اند از فقر و محنت رهایی یابند که در سازوکار بازار، دولت مداخله جانبدارانه ای همسو با مردم داشته و از تمامی ابزارهای خود به شکل تشویقی و تنبیهی در برابر طغیان سرمایه استفاده نموده است. این شیوه سیاست گذاری و برنامه‌ریزی توانسته بر مسائل مردم فائق آید و به خوبی کار بکند و این نکته را به ما یادآوری نماید که علم ناظر بر عمل است نه ارزش ذاتی آن، و اینکه ماهیت و سرشت نظریه هرچقدر زیبا و دل فریب باشد باید در عمل خود را نشان دهد نه در کتاب‌ها و مقالات.

نویسنده : مهرداد کلاته، تاریخ ارسال : سه شنبه 28 اردیبهشت 1400 ساعت 10:53 قبل از ظهر